

حج از نگاه مستشرقان (با تأکید بر دائرة المعارف قرآن لایدن)

محمد جواد اسکندرلو*

سید حسین علوی*

چکیده

بررسی آموزه‌های اساسی و بنیادین قرآنی - اسلامی از دیرباز مورد اهتمام پژوهشگران غیرمسلمان یا به تعبیر دیگر، مستشرقان بوده است. یکی از جدیدترین و مهم‌ترین آثار آنها در این زمینه «دائرة المعارف قرآن لایدن» و یکی از موضوع‌های اساسی قرآنی - اسلامی، بحث «حج» است. غالب مقالات مربوط به حج در این اثر، مربوط به خاورشناس انگلیسی، «جرالد هاوتینگ» است. وی تبیین مناسک حج و اماکن مربوط به این عمل را بنوعی با بحث خاستگاه قرآن و اسلام مرتبط ساخته است. اینکه این تبیین‌ها و برداشت‌های وی از موضوع حج، بر چه مبانی و پیش‌فرض‌هایی بنا گردیده، درخور نقد و بررسی است. به نظر می‌رسد مبانی نظری وی مبنی بر عدم و حیانت قرآن، منشأ طبیعی داشتن دین و تطور و تکامل طبیعی دین توحیدی اسلام، منتج به برداشت‌های خلاف نگاه اصیل اسلامی از ناحیه او شده است. با توصیف، تحلیل و بررسی آرا و ادعاهای «هاوتینگ» روشن می‌شود که به رغم

* . دانشیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه Mj-eskandarlo@miu.ac.ir
* . دانش پژوه دکتری «قرآن و مستشرقان» در جامعه المصطفی العالمیه hosainalawi@gmail.com

وجود برخی نکات مثبت در تحقیقات وی، دیدگاه او در باب حج اسلامی، در بسیاری موارد صحیح نبوده و قابل نقد است. داشتن پیش فرض عدم و حیانت قرآن، مبنای نظری تقدم بت پرستی بر یکتا پرستی، تطور و تکامل طبیعی دین در جوامع، در نتیجه، تشکیک در تطابق اشارات قرآنی به مناسک حج با اماکن و مناسک حج امروزی مسلمانان، پندار ناسازگاری آیات حج و... را می توان از موارد قابل نقد در موضوع حج برشمرد.

کلید واژه‌ها: حج، قرآن و حج، مستشرقان و حج، جرالد هاوتینگ

حج، به معنای قصد اماکن مقدس، از دیر زمان در میان اقوام سامی، رایج و جزو شعائر بوده، در ادیان آسمانی جایگاه ویژه داشته و یکی از مهم ترین فروع دین اسلام است. پیشینه حج را می توان با تاریخ حیات انسان پیوند داد. به بیان قرآن کریم نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، بکه در مکه است که نامی از نام‌های کعبه است، (آل عمران: ۹۶) که از همان آغاز حیات انسان در زمرة شعائر موخدان و پیامبران خدا، از آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا خاتم عَلَيْهِ السَّلَام بوده است. اگرچه در اسلام عبادات اجتماعی، مثل نماز جماعت و نماز جمعه و نماز عید وجود دارد؛ اما «حج» از همه باشکوه تر و گسترده تر و پرشورتر است. با نگاهی به آنچه در قرآن کریم و احادیث معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام درباره حج آمده است، شاید بتوان حج را به نمونه و مدل کوچکی از اسلام تشبیه کرد و شاید بتوان گفت که حج «میناتور»ی کوچک از اسلام بزرگ است. (حداد عادل، ۱۳۷۸ش، بی تا، بی جا) بهره گیری صحیح از حج می تواند احیاگر روح توحید در دل‌های از خدا رمیده و معنویت گم کرده، نزدیک کننده امت متفرق اسلامی، و عزت بخش مسلمانان و رهایی بخش آنها از وضعیت نابسامان کنونی در عرصه‌های مختلف دینی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی باشد.

شاید درست به همین دلیل باشد که از قدیم مورد توجه خاص بیگانگان؛ اعم از موافق و مخالف اسلام، بوده است. این مطلب از آثار متعدد و متنوع غیر مسلمانان؛ چه در قالب سفرنامه‌های اولیه و چه آثار تحلیلی و انتقادی دوران متأخر، به خوبی آشکار و نمایان است.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه این بحث و توجه اندیشمندان مسلمان به حج و مسائل آن، می‌توان از دو زاویه نگریست؛ نخست پرداختن به حج و مسائل آن از نگاه درون‌دینی و به‌عنوان یکی از آموزه‌ها و شعائر اصلی دین مبین اسلام است و دوم توجه به آثار و آرای محققان غیر مسلمان درباره حج و مسائل آن و بررسی و نقد آنهاست.

در قسمت نخست، به دلیل اهمیت و جایگاه والای عبادی و سیاسی - اجتماعی حج، شاهد انبوهی از مباحث؛ اعم از فقهی و تاریخی، در قالب مناسک حج، حج و جایگاه آن در قرآن و اسلام، تاریخ و جغرافیای اماکن مربوط به شعائر حج و سفرنامه‌ها و...، در این زمینه هستیم که حتی یک تعریف اجمالی این آثار خود نیازمند اثری سترگ است که خارج از توان و موضوع این تحقیق است.

اما در قسمت دوم که ناظر به آثار و آرای محققان غیرمسلمان و بررسی و نقد آنهاست، اثر مستقل برجسته‌ای قابل مشاهده نیست. شاید تنها مورد قابل ذکر در این بحث، کتاب «مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی» با ترجمه محمدرضا فرهنگ باشد که به همت حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، در سال ۱۳۸۴ش، انتشار یافته است. این اثر در واقع، ترجمه دو بخش مکه و مدینه منوره، از «موسوعة العتبات المقدسه» است؛ علاوه بر این، ناظر به سفرنامه‌های اروپاییان سده‌های گذشته است و فاقد توجه به آثار و آرای جدید و معاصر است.

در حقیقت، بحث حج از نگاه «دایرة المعارف قرآن» که اثری متعلق به سده بیست و یکم است، کاملاً جدید و بکر است؛ همان‌گونه که توجه به آرای «جرالد هاوتینگ» در باب حج، نیز پیشینه‌ای ندارد یا حداقل نویسندگان این سطور به آن دست نیافته‌اند.

نگاهی به کتاب‌شناسی حج مستشرقان

خاورشناسان درباره زوایای گوناگون و گسترده حج و مکان‌های مقدس اسلامی در مکه و مدینه، آثار متعددی را در قالب کتاب و مقاله تدوین کرده‌اند. این آثار در ابتدا بیشتر در قالب سفرنامه‌نویسی و توصیف ظاهری مکان‌های اسلامی و اعمال عبادی مسلمانان بوده،

(الخلیلی، مترجم: محمدرضا فرهنگ، ۱۳۸۴ش.) لیکن به مرور زمان، در کنار تشکیک در دیگر معارف اسلامی، شکل نقدی و تشکیکی گرفته است. در اینجا برخی از آثار که بگونه‌ای خاص به موضوع حج و مکان‌های مربوط به این آیین الهی و ابراهیمی پرداخته‌اند، نام برده می‌شوند:

۱. هورخرونیه، ک. سنوک، صفحات من تاریخ مکه المکرمه (۲جلد)، تعریب: محمد محمود السریانی، معراج نواب مرزا، ریاض، دارالملک عبدالعزیز، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م
اصل این اثر به زبان آلمانی نوشته شده که بین سال‌های ۱۸۸۸ تا ۱۸۸۹م، در دو جلد، در لاهه هلند انتشار یافته است.

۲. اُریس، لئون، حج، لندن ۱۹۸۴م

Haj, London, Corgi Bks. 1984, by Uris, Leon

۳. متسون و میلنی، برداشت‌ها از حج، سنگاپور، موسسه مطالعات آسیای جنوب شرقی
۱۹۸۴م

Perceptions of the Haj, Singapore, Institute of Southeast Asian Studies 1984, by V. Matheson and, A.C. Milney

۴. پیترز، ف. ای، حج: حج مسلمانان به مکه و اماکن مقدس، نیوجرسی، انتشارات دانشگاه پرینستون ۱۹۹۴م.

The Hajj: the Muslim Pilgrimage to Mecca and the Holy Places, New Jersey, Princeton University Press 1994, by F. E. Peters

۵. پیرسون، مسافران پارسا: حج در زمان‌های نخستین، دهلی‌نو، انتشار: ناشران استرلینگ ۱۹۹۴م.

Pious Passengers: the Hajj in earlier times, New Delhi, Sterling Publishers 1994, by M. N. Pearson

۶. وُلف، مایکل، حج، سفر یک آمریکایی به مکه، ۱۹۹۸م

The Hadj, An American's Journey to Mecca, 1998, by Michael Wolfe

۷. لینگز، مارتین، مکه از پیش از نزول تورات تا کنون، ترجمه: سعید تهرانی نسب، تهران، انتشارات حکمت ۱۳۹۵ش. = ۱۴۳۷ق.

Mecca: From Before Genesis until Now (2004), Archetype, by Martin Lings

۸. پورتر، ونیشیا و سیف، لیانا، حج: مجموعه مقالات، بریتانیا، هاگلی ۲۰۱۳ م.
Collected Essays, The Trustees of the British Museum 2013, Edited by: The Hajj Venetia Porter and Liana Saif

۹. پیترز، ف. ای، مکه: تاریخ ادبی سرزمین مقدس مسلمانان، انتشارات دانشگاه پرینستون ۲۰۱۷ م.
Mecca: A Literary History of the Muslim Holy Land, Princeton University Press, 2017, by F. E. Peters

۱۰. متیوز، دیوید، راهنمای حج و عمره در راه خدا، بی جا، بی تا، نویسنده: انیس دیوید متیوز
A Guide for Hajj and Umra dedicated to the cause of Allah, by Anees David Mathews

جرالد هاوتینگ

در میان انبوه مستشرقانی که در باب حج دست به تألیف زده و اظهار وجود کرده‌اند، جerald R. Hawting)، اسلام‌شناس و شرق‌شناس انگلیسی، متولد سال ۱۹۴۴ م. است. او در دانشگاه لندن تحصیل کرده و دکترایش را زیر نظر برنارد لوئیس (Bernard Lewis) و جان ونزبرو (John Wansbrough) در ۱۹۷۸ م به اتمام رسانده است. زمینه‌های مطالعاتی وی عبارتند از: رشد اسلام در خاورمیانه، شرح زندگی پیامبر ﷺ تاریخ اسلام قبل از دوره مدرن و تاریخ خاورمیانه. وی در حال حاضر استاد بازنشسته تاریخ خاورمیانه و خاور نزدیک در «مرکز مطالعات شرق‌شناسی و آفریقایی لندن» است. (<https://www.soas.ac.uk/staff/staff31081.php>)

هاوتینگ دارای آثار متعددی درباره اسلام است که برخی از آنها عبارتند از:
The First Dynasty of Islam: The Umayyad Caliphate AD 661 - 750 (1986)

امویان، نخستین دودمان حکومت گر در اسلام (۶۶۱ - ۷۵۰ م)، مترجم: عیسی عبدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵ ش. *Approaches to the Quran, ed. (1993)*

رهیافت‌هایی به قرآن، جerald هاوتینگ، عبدالقادر شریف؛ به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۸ ش.

"John Wansbrough, Islam, and monotheism," in *Quest for the Historical Muhammad, edited by Ibn Warraq (1997)*

[مقاله] «جان ونزبرو، اسلام و توحید» در کتاب «در جستجوی محمد تاریخی» اثر ابن

وارق، ۱۹۹۷

The Idea of Idolatry and the Rise of Islam: From Polemic to History, Cambridge University Press (1999)

بت پرستی و ظهور اسلام: از جدل تا تاریخ، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۹

The Development of Islamic Ritual, (Aldershot: Ashgate, 2006) (The Formation of the Classical Islamic World, 26)

«رشد آیین‌های اسلامی»، الدرشات: اشگیت ۲۰۰۶

The Origins of the Muslim Sanctuary at Mecca, in Studies on the First Century of Islamic Society, Edited by G. H. A. JUYNBOL, 1982 (PAPERS ON ISLAMIC 47 - HISTORY 5), pp. 23

خاستگاه اماکن مقدس اسلامی در مکه، نشر یافته در: مطالعاتی درباره سده نخست

جامعه اسلامی، ویراسته خوتیر یئبل، ۱۹۸۲

مقالات وی در دایرةالمعارف قرآن لایدن، عبارتند از: کفارہ (Atonement)؛ گوساله

سامری (Calf of Gold)؛ بت پرستی و بت پرستان (Idolatry and Idolaters)؛ اصنام و شمایل

(Idols and Images)؛ کعبه (Kaba)؛ سوگند (Oaths)؛ احزاب و فراکسیون‌ها (Parties and

Factions)؛ حج و عمره (Pilgrimage)؛ عربستان پیش از اسلام و قرآن (Islamic Arabia - Pre

and the Qurān)؛ سنت و عرف (Tradition and Custom)؛ و پرستش (Worship).

مفهوم شناسی

جرالد هاوتینگ در مقاله «حج و عمره»، (Hawting, Gerald, Vol.4, pp.91-100, 2004)

پس از تعریف حج، بیان می‌کند که واژه حج ۹ بار و عمره ۲ بار، آنهم در یک آیه (بقره:

۱۹۶)، در قرآن آمده است. اما چند صیغه اسمی و فعلی مرتبط با هر یک از این دو واژه نیز

در قرآن وجود دارد. لغت‌شناسان سنتی عرب: «حج» و «اعتمر» را قصد سفر به مکانی (به

خصوص حرم) با انگیزه زیارت معنا کرده‌اند.

هاوتینگ معتقد است که این معنا احتمالاً بازتاب مناسک مسلمانان است و معنای دقیق

این واژه‌ها نیست. معانی احتمالی، با توجه به عربی متأثر از عبری یا زبان‌های جنوب عربستان

چنین است: ۱. حرکت آرام دسته‌ای از مردم در یک خط؛ ۲. حرکت دایره‌وار؛ ۳. رقص یا جشن.

وی اظهار می کند که ریشه «حج» بر عمل رقص یا حرکت آرام دور قربانگاه یا دور دیگر اشیای آیینی دلالت دارد و با طواف کعبه مرتبط است. در کتاب مقدس، کلمه عبری «حج» معمولاً فقط به عید یا جشن ترجمه شده است. ممکن است به معنای مشارکت کنندگان در سفر زیارتی به مکانی، بیت المقدس یا جای دیگر، که در آن حج گزارده می شود، نیز باشد (خروج ۱۴: ۲۳-۱۷؛ تثیبه ۱۶: ۱۶). در پرتو این معنا، حج عربی را هم می توان گونه ای «جشن زیارتی» تلقی کرد. ریشه عربی «ع-م-ر» را به سختی می توان به معنای عمره عربی مستند کرد (Ibid).

قرآن و مناسک حج

در آیات قرآن جزئیات کافی برای ایجاد یک طرح کلی، حتی برای آن دسته از مناسک مورد اشاره هم وجود ندارد، لذا تفصیل احکام اسلامی مربوط به حج و عمره اساساً مبتنی بر عبارت های قرآنی نیست (Ibid). وی در مقاله «عبادت» (Ibid. vol. 5, pp. 555-7, 2006) بیان می کند که قرآن به ندرت به جزئیات اعمال عبادی پرداخته است. ظاهراً فرض را بر این می گذارد که این اعمال جزو روند معمول زندگی دینی بوده و شکل انجام آنها از قبل معلوم است.

در دیدگاه سنتی این جزئیات از سنت پیامبر اخذ می شوند که در احادیث و اخبار زندگی وی مضبوط است. اما در دیدگاه مقابل، بدیل دیدگاه سنتی، می توان نظر داد که این مطلب نتیجه تحول رویه های جامعه اند و منابع مکتوب نیز نتیجه کار عالمانی است که بین این رویه های موجود در جامعه و متون در دسترس شان پیوند برقرار کرده اند (Ibid).

شباهت مناسک حج

هاوتینگ مدعی است که گاه به نظر می رسد تفاوت هایی میان عمل مسلمانان یا آموزه های فقهی و پاره ای از مطالب قرآنی وجود دارد. در تطبیق آیات قرآن بر شکل های واجب حج و عمره و نیز برخی مکان های مربوط به هر کدام از این دو، مشکل وجود دارد؛ و مفسران برای حل این اختلاف ها شگردهایی دارند (bid, vol, 4, pp. 91-100, 2004) برخی از این تعارض های ظاهری که مؤلف مدعی شده است عبارتند از:

واژگان و اصطلاحات

در میان شبهاتی که مطرح می‌شوند، برخی مربوط به واژگان و اصطلاحات خاصی است که به حج و عمره مربوط می‌شوند که در اینجا به دو مورد، «بکه» و «حج اکبر»، اشاره می‌شود:

بکه

در آیه ۹۶ سوره آل عمران «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱ چرا قرآن از واژه «بکه» استفاده کرده است؟ توضیح مفسران حاکی از این است که بدون شناخت واقعی سعی در ربط دادن مفاد آیات به مناسک حج مسلمانان دارند (Ibid).

حج اکبر

همین وضعیت در تفسیر اصطلاح «حج اکبر» در آیه ۳ توبه نیز قابل مشاهده است: «وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۲.

تفسیرهای ارائه شده در باب مراد از «حج اکبر»: ۱. روزهای خاص مثل وقوف در عرفه، عید قربان و غیره؛ ۲. غالباً گفته‌اند مراد حجی است که به رهبری ابوبکر بلافاصله بعد از فتح مکه صورت گرفت؛ ۳. حج اکبر همان حج و یا حج همراه با عمره است و حج اصغر نیز عمره یا حج بدون عمره است.

۱. در واقع نخستین خانه (و پرستشگاهی) که برای مردم نهاده شد، آن (است) که در مکه است؛ که خجسته، و برای جهانیان (مایه) هدایت است.

۲. و (این آیات) اعلامی است از طرف خدا و فرستاده‌اش به مردم، در روز [عید قربان] حج بزرگ [به] اینکه: خدا و فرستاده‌اش نسبت به مشرکان تعهدی ندارند! و اگر توبه کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و اگر روی برتابید، پس بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده!

آیات

هاوتینگ برخی از آیات را نیز متذکر شده، مدعی است که در تفسیر و تطبیق قسمت‌های اصلی این آیات به مناسک حج، اشکال و اختلاف وجود دارد:

۱. در آیه ۱۵۸ سوره بقره ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾^۱ عبارت «لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» محل بحث است، چرا در جایی که در اسلام به لحاظ فقهی، بدون هیچ اختلافی به عنوان یکی از اجزای واجب و اصلی حج و عمره است، گفته شده «خطا و گناهی نیست».

وی در ادامه به حدیثی اشاره نموده که عایشه برداشت عروۀ بن زبیر را به شدت رد می‌کند؛ آنجا که عروۀ بن زبیر گفته است: اگر کسی سعی بین صفا و مروه را بجا نیاورد، بر او مشکلی نیست. سپس به بیان شأن نزول‌های مختلف این آیه و باور برخی بر استحباب و عدم وجوب آن می‌پردازد، البته ایشان هیچ منبع و یا مذهب و یا فردی را مشخص نمی‌کند!

۲. بحث در آیه ۱۹۶ سوره بقره ﴿وَ أَمَّا الْحُجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...﴾^۲ این است که آیا

عمره نیز مانند حج واجب است یا مطابق برداشت اکثریت، مستحب می‌باشد؟

برخی از طرفداران اختیاری عمره، واژه عمره را مبتدا گرفته و چنین معنا کرده‌اند که «حج را به پایان برسانید اما عمره برای خداست...».

برخی دیگر از قائلان اختیاری عمره، با توجه به قرائت معیار، مفعول بودن عمره را حفظ کرده‌اند، اما «أَتَمُّوا» را اینگونه معنا کرده‌اند که «وقتی مسئولیت انجام حج یا عمره را پذیرفتید آن را به پایان برسانید.» این گروه معتقدند آیه‌ای که وجوب حج را حداقل برای یک بار، برای هر مسلمانی ثابت می‌کند، این آیه نیست بلکه آیه ۹۷ آل عمران است که می‌فرماید: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۲.

۱. براستی که (کوه) صفا «و» مروه «از نشانه‌های خداست؛ پس کسی که خانه [خدا] را، حج کند یا عمره به جا آورد، پس هیچ گناهی بر او نیست، که به [میان] آن دو، سعی (رفت و آمد) کند؛ و کسی که [فرمان خدا را در انجام کار] نیک پذیرد، پس در حقیقت خدا، سپاسگزاری داناست.

۲. در آن، نشانه‌های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس در آن داخل شود، در امان خواهد بود؛ و برای خدا، بر [عهده] مردم است که آهنگ (حج) خانه (او) کنند، (همان) کسی که بتواند به سوی آن راهی بیابد. و هر کس کفر ورزد، (و حج را ترک کند؛) پس در حقیقت خدا از جهانیان، بی‌نیاز است.

۳. ادامه آیه ۱۹۶ بقره ﴿وَأَمَّا الْحُجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحُجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحُجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱ که بحث احصار (راغب اصفهانی، تحقیق: داودی، ۱۴۱۲ق، صص ۹-۲۳۸).^۲ (بازداشته شدن و ماندن از ادامه حج) و شرایط آن را بیان می کند.

الف: شرایط احصار کدام است؟ (۱) بیماری شخص یا مرکبش، مشکلات مالی؛ (۲) وجود دشمن یا حاکم ظالم؛ (۳) همه موارد.

ب: هاوتینگ می گوید: نزول این آیه در صلح حدیبیه بوده که مانع عامل انسانی شد و قربانی پیامبر ﷺ و صحابه اش نیز در حدیبیه که خارج از محدوده حرم است صورت گرفت؛ پیامبر ﷺ هم سال بعد مکه رفت و «عمره القضاء = عمره القضیه» به جا آورد. بنابراین، این روایت با احکام مقرر در آیه ۱۹۶ بقره درباره شخصی که از اتمام حج و عمره بازمانده، در تعارض است؛ زیرا طبق آیه، چنین شخصی تا قربانی اش به زمان و مکان ذبحش نرسیده، محرمات حال احرام از وی مرتفع نمی شود.

حال میان فرق اسلامی نیز اختلاف شده که اولویت با روایت مبین رفتار پیامبر ﷺ در حدیبیه است یا با احکام مقرر در آیه و یا با آنچه که شرایط اقتضا می کند؟ در حالی که مالکی ها روایت را ترجیح داده اند و فقط بیماری را استثنا کرده اند، ولی در غیر بیماری نباید از حال احرام خارج شود، بقیه آیه را ترجیح داده اند.

۱. و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید. و اگر بازداشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود (قربانی کنید). و سرهایتان را متراشید، تا قربانی به محلش برسد. و هر کس از شما بیمار بود، و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش رسید، (و ناچار شود در احرام سر بتراشد)، پس تاوانی از [قبیل] روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد]. و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هر کس با عمره از حج بهره مند شود، (و حج تمتع نماید)، پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود، (قربانی کند) و هر کس نیافت، پس سه روز در [موسم] حج، و هفت [روز] هنگامی که باز گشتید، روزه بدارد. این، ده [روز] کامل است. این [حج تمتع] برای کسی است که خانواده اش، ساکن [اطراف] مسجد الحرام نباشد. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا سخت کیفر است.

۲. معنای اصلی حصر، تنگی و تضییق است؛ حصر و احصار بمعنی منع از طریق بیت (کعبه) است. احصار در منع ظاهر مثل دشمن و منع باطن مثل مرض هر دو گفته می شود ولی حصر فقط در منع باطن است.

۴. اختلاف اهل سنت و شیعه در بحث متعه النساء و متعه الحج، بر مبنای آیه ۱۹۶ بقره ﴿وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱ و آیه ۲۴ سوره نساء ﴿وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ أَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^۲ (ibid, vol. 4, pp. 91-100, 2004)

حج اسلامی و خاستگاه اسلام

هاوتینگ، ضمن بیان شبهاتی پیرامون مفهوم شناسی حج، مشکل تطبیق برخی مکان‌ها با حج امروزی و ناسازگاری برخی آیات با اعمال حج امروزی مسلمانان، در نهایت، ریشه بحث را بنوعی مبنایی می‌داند.

میقات حج

۱. و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید. و اگر بازداشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود (قربانی کنید). و سرهایتان را مَتراشید، تا قربانی به محلش برسد. و هر کس از شما بیمار بود، و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش رسید، (و ناچار شود در احرام سر بتراشد)، پس تاوانی از [قبیل] روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد]. و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هر کس با عمره از حج بهرمند شود، (و حج تمتع نماید)، پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود، (قربانی کند)، و هر کس نیافت، پس سه روز در [موسم] حج، و هفت [روز] هنگامی که بازگشتید، روزه بدارد. این ده [روز] کامل است. این [حج تمتع] برای کسی است که خانواده‌اش، ساکن [اطراف] مسجد الحرام نباشد. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا سخت کیفر است.
۲. و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است؛) مگر آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرر داشته است. و غیر از این (زنان نامبرده)، برای شما حلال است، که با اموالتان آنان را طلب کنید؛ در حالی که پاکدامنان غیر زشتکار (غیر زناکار) باشید. و کسانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می‌برید، پس مهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید. و هیچ گناهی بر شما نیست در آنچه، بعد از وجوب (مهر)، با یکدیگر در موردش توافق کردید؛ برآستی که خدا، دانای فرزانه است. به‌رغم مخالفت برخی صحابه امثال خلیفه دوم، عمر، با این دو متعه، اهل سنت با شیعیان در متعه‌الحج همراهی کردند ولی در متعه‌النساء از در مخالفت وارد شدند.

وی بر این باور است که با توجه به کمبود یا نبود مطالب تفصیلی در آیات راجع به حج و عمره، داوری درباره این مطلب مشکل است که تا چه اندازه این آیات مبین همان مناسکی باشند که در مکان‌های امروزی انجام می‌گیرند. مکان‌هایی؛ مانند زمزم، منا، وقوف و رمی جمرات، هیچ‌گاه در قرآن ذکر نشده‌اند، بلکه معلوم نیست آن اسامی هم که در قرآن آمده، بر همان چیزهایی دلالت کنند که در اسلام رایج وجود دارند. در این باره دو دیدگاه عمده وجود دارد:

الف: مطابق دیدگاه رایج میان غالب مسلمانان و نیز افراد همسو با این دیدگاه، دلیل اساسی مبتنی بر این پیش‌فرض استوار است که پیامبر ﷺ بعد از تسلط بر مکه و دیگر مکان‌های مربوط، در مناسک حج و عمره آن زمان تغییر اساسی نداد بلکه تنها تغییراتی جزئی و حاشیه‌ای در مناسک ایجاد کرد.

ب: در مقابل نظر فوق، دیدگاه اسنوک هورخرونیه و ولهاوزن و برخی دیگر از پژوهشگران، قابل ذکر است؛ به باور این گروه، تغییراتی که برای بازشناسی حرم مکه به عنوان حرم اسلامی ایجاد شد، بسیار بیشتر بوده‌اند. شواهدی دلالت بر این دارد که پاره‌ای از مکان‌های مقدس و مناسکی که اساساً از هم مستقل بودند با هم یکی شدند و مناسک بگونه‌ای مقرر شد که نقطه تمرکز آنها بر کعبه در مکه باشد. مطابق این دیدگاه، حج در اصل هیچ ارتباطی با مکه یا کعبه نداشت، بلکه مربوط به کوه عرفات یا سایر مکان‌های مقدسی بود که با مکه فاصله داشتند؛ و این عمره بود که مناسکی داشت که به کعبه مربوط می‌شد.

طبق این دیدگاه، آیه ۱۵۸ سوره بقره ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ در اصل آغاز این فرایند را نشان داده و بازتاب دهنده اعتراض‌های کسانی است که مخالف این ادغام بودند (Ibid). این دیدگاهی است که به‌نوعی از سوی مستشرقانی مانند کرون و کوک در کتاب «هاجریسیم» (Crone, Patricia and Cook, M. A., Hagarism, 1977) و جان برتن در «جمع

۱. براستی که (کوه) «صفا» و «مروه» از نشانه‌های خداست؛ پس کسی که خانه [خدا] را، حج کند یا عمره به جا آورد، پس هیچ‌گناهی بر او نیست، که به [میان] آن دو، سعی (رفت و آمد) کند؛ و کسی که [فرمان خدا را در انجام کار] نیک پذیرد، پس در حقیقت خدا، سپاسگزاری داناست.

قرآن» (Burton, John, pp. 12, 16, 30-31, 1977) و خودِ هاوتینگ در کتاب «بت پرستی و ظهور اسلام» (Hawting, Gerald, Press (1999))، همه از شاگردان جان ونزبرو، و نیز فرانسیس ادوارد پیترز در کتاب «حج: حج مسلمانان به مکه و اماکن مقدس» (Peters F. (1994), p 3-41, E., نیز ارائه شده است.

خاستگاه اسلام

با مطالعه آرای هاوتینگ در آثار وی، باید گفت که غالب دیدگاه‌های وی درباره حج و مسائل مربوط به آن، به نظریه او در باب خاستگاه اسلام و قرآن بازمی‌گردد؛ وی در مقاله «کعبه» به این مطلب تصریح می‌کند. (Hawting Gerald R., vol. 3, p. 79, 2003) و باز دیدگاه وی حاکی از اعتقاد وی به تطور و تکامل طبیعی و تدریجی دین اسلام از بت پرستی به یکتاپرستی است و ظاهراً اعتقادی به وحیانی بودن قرآن و دین اسلام ندارد. وی در مقاله «عربستان پیش از اسلام»، دیدگاه‌های مختلف در این باره را بیان می‌کند. یکی از مؤثرترین نظریه‌ها این است که شرک و بت پرستی عرب‌ها به تدریج تا زمان پیامبر ﷺ دچار افول شده و به همین دلیل، دین پیامبر ﷺ قادر به پاسخ‌گویی و تأمین نیازهای معنوی و اخلاقی جامعه عرب، در سده نخست اسلامی بود؛ یعنی ما شاهد گرایش‌های یکتاپرستانه مشرکان هستیم؛ از جمله مورد حنفاء، که این دال بر نظریه تکامل طبیعی دین است. یولیوس ولهاوزن با کتاب «بقایای بت پرستی عرب»، در شکل‌گیری این نظریه تأثیرگذار بوده است. این تحول و تکامل دینی، گاه به صورت گرایش مشرکان از بت پرستی به توحید و به‌عنوان یک تحول و بالندگی طبیعی ترسیم می‌شود که فرایندی برای همه جوامع است؛ گاه نیز به دلیل تأثیرپذیری جامعه عرب از جوامع توحیدی خارج از عربستان توصیف شده است؛ و گاهی هم بیان شده، به رغم بت پرست و مشرک بودن اکثر اعراب، نوعی شکل ابتدایی از توحید در میان آنها باقی بوده است. (Ibid, , vol. 4, pp. 253-261, 2004)

در مقاله بت پرستی و بت پرستان نیز از مک‌دونالد (Macdonald D. B., vol.1, pp. 302-11, 2004) نقل می‌کند که: «دین مکه در زمان محمد ﷺ از بت پرستی صرف فاصله داشت». وی در ادامه به نوعی به تبیین نظریه تکامل دینی می‌پردازد و اینکه اعراب در زمان پیامبر ﷺ در حال گذار از مرحله چند خدایی و بت پرستی و رسیدن به مرحله دین توحیدی و یکتاپرستی بوده‌اند. (Hawting Gerald R, 2, pp. 475-80, 2002)

در این تحقیق سعی شد تا آرا و دیدگاه‌های هاوتینگ که بنوعی نمایانگر آرای دیگر مستشرقان نیز هست، در موضوع حج، از آثار متعدد وی اصطیاد شده و اشکالات مطرح شده از سوی او و هم‌فکرانش بیان گردد. در طرح این به اصطلاح اشکالات یا شبهات نیز از موارد جزئی شروع و در نهایت به رأی اصلی و نظریه‌هاوتینگ درباره‌ی خاستگاه قرآن و اسلام رسیدیم که منشأ دیدگاه وی در حج نیز می‌باشد.

همان‌گونه که بیان شد هاوتینگ از شاگردان ونزبرو و برنارد لويس است که هر دو جزو منتقدان سرسخت قرآن و اسلام هستند؛ وی با ذهن نقادش و بهره‌گیری از روش‌های اساتیدش، بویژه روش تحلیل ادبی ونزبرو، تعالیم اسلامی را مورد تشکیک قرار می‌دهد. از نکات قوت تحقیق وی هدفمند و روش‌مند بودن آن و نیز تسلط نسبی وی بر منابع تاریخی، موضوعات و آیات قرآنی و نیز تفسیر قرآن و بهره‌گیری از آنها در تحقیقاتش است.

شاید پرداختن به تک تک اشکالات و یافتن پاسخ آنها مفید باشد لیکن اولاً نیاز به تفصیل دارد که از حد یک مقاله خارج است، ثانیاً چیزی که مهم است، توجه به نظریه اصلی وی در باب خاستگاه قرآن و معارف اسلامی و نقد و بررسی آن است. بنابراین، ضمن بیان نکته‌هایی، به بررسی دیدگاه و آرای وی می‌پردازیم:

۱) هاوتینگ با وجود اشکال بر معنای اسلامی حج، خود نیز معنای دقیق و روشنی را ارائه نکرده، و تنها به ذکر چند احتمال اکتفا می‌کند. علاوه بر این، حج دارای پیشینه‌ای بس طولانی است و یک رسم یا عبادت کاملاً بدیع و تأسیسی از ناحیه اسلام نیست تا برایش نامی کاملاً عربی اسلامی بجوییم. تاریخ پیدایش مکه و شکل عبادی حج، در سنت اسلامی، طبق برخی روایات، به دوران حضرت آدم علیه السلام بازمی‌گردد؛ (صفری فروشانی، نعمت‌الله، ص ۱۳ به بعد، ۱۳۸۶ ش)، قرآن به تعمیر آن توسط ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام تصریح می‌کند. (بقره: ۱۲۷ و ۱۲۵)

علاوه بر این، از کلمات معصومین علیهم السلام نیز قدمت کعبه و حج قابل تأیید است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «آیا مشاهده نمی‌کنید که خداوند سبحان، انسان‌های پیشین؛ از آدم علیه السلام تا آیندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مکه آزمایش کرد... سپس آدم علیه السلام و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه برگردند و آن را مرکز اجتماع و سر منزل مقصود و بار اندازشان گردانند.» (نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۹۲)^۱

۱. «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْبَارٍ... ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَثْنُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَةً لِمُتَجِّعِ أَسْفَارِهِمْ وَغَايَةً لِلْمُلْتَقَى رِحَالِهِمْ»

بیانات امام علی علیه السلام در این خطبه، به نوعی مبین بنای کعبه و قدمت آن، قبل از حضرت آدم علیه السلام و فرزندانش می باشد. در احادیث نیز آمده است که فرشتگان پس از حج آدم، به استقبال وی آمده و عرض کردند: «يَا آدَمُ بَرِّ حَجَّكَ، طِفُّ، فَقَدْ طَفْنَا بِالْقِيَامِ»؛ «ای آدم، نیک و پذیرفته باد حج تو، طواف کن که ما نیز دو هزار سال پیش از تو طواف کردیم.» (کریمی واقف، رضا، ج ۳۷، ص ۱۷، ۱۳۸۰)

۲) درباره بیان کلیات مسائل عبادی در قرآن و نپرداختن به جزئیات، نخست واضح است که لازمه جهانی و جاودانی بودن یک کتاب، طرح اصول اساسی و کلیات ضروری است و درگیر مسائل جزئی وابسته به شرایط و اقتضائات خاص شدن معقول به نظر نمی رسد. دوم اینکه منبع احکام عبادی اسلام تنها قرآن نیست بلکه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مبین و مفسر قرآن^۱ نیز یکی از منابع مهم در این زمینه است. سوم اینکه حج یک رسم یا عبادت کاملاً بدیع و جدید نبود و چهارم اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله خودش حج صحیح اسلامی - ابراهیمی را آموزش داد و برخی از مستشرقان، از جمله آقای «دوین استوارت» در مقاله «حجة الوداع» به این مطلب تصریح دارد (Stewart, Devin J, vol. 2, pp. 178-180, 2002).

۳) در مورد استفاده قرآن از واژه «بگه» برای اشاره به مکه نیز باید گفت در منابع اسلامی حدود هشتاد نام برای مکه ذکر شده که این حاکی از اهمیت آن نزد عرب هاست. (صفری فروشانی، همان، صص ۲۴-۱۸) البته عالمان و مفسران مسلمان برای هر کدام از این نامها حکمتها یا مناسبتهایی را ذکر کرده اند که صحت یا عدم صحت این نسبتها دخیلی به واقعیت انتسابشان به مکه نداشته و یا موجب اشکالی نسبت به مناسک حج نمی شود. (طباطبایی، محمدحسین، تفسیر، ج ۲، ص ۳، ۳۵۰، ۱۳۹۰ق؛ زمخشری، محمودبن عمر، ج ۳، ص ۱، ۳۸۷، ۱۴۰۷ق)، علاوه بر این، باید متذکر شد که استفاده قرآن از واژه «بگه»، اشاره ای پرمعنی به قدمت و عظمت مکه و آیین حج ابراهیمی در میان ادیان سابق است؛ چنان که در عهد عتیق، در باب ۸۴ مزامیر داوود، عنوان «بکه» آمده است که اشاره به مکه امروزی بعنوان یکی از عبادتگاههای یهودیان است که توسط جدشان ابراهیم علیه السلام بنا شده است. (لینگز، مارتین، ص ۱۸، ۲۹ و ۳۰، ۱۳۹۵ش).

بنابر این، اشکال هاوتینگ به استعمال واژه «بکه» در قرآن و مبهم خواندن آن، فقط به دلیل حاشیه نگاری های برخی از مفسران و لغت شناسان در باب معنای بکه

۱. (نحل: ۴۴) «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی.

و ارتباط احتمالی آن با مکه، بیش از آن که یک اشکال علمی جدی باشد، نوعی اشکال تراشی و تقویت در ایجاد تردید به نظر می‌رسد.

۴) در مورد «حج اکبر»، تا حدی حق با هاوتینگ است؛ زیرا میان مفسران، هم درباره روز «حج اکبر» و هم در مورد سال آن، گفتگو و بحث مطرح است. (مکارم شیرازی، ناصر، چاپ ۱۰، ج ۷، ص ۲۸۸ به بعد، ۱۳۷۱ش) اما نظر غالب و آنچه از روایات متعدد نقل شده از طرق اهل بیت و اهل سنت برمی آید این است که منظور از آن روز دهم ذی الحجه، روز عید قربان، و به تعبیر دیگر «یوم النحر» است. (مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۱۵۶، ۱۴۲۳ ق؛ قمی، علی بن ابراهیم، ج ۳، ج ۱، ص ۲۸۲، ۱۳۶۳ش)

علامه طباطبایی رحمته الله علیه، ضمن یادآوری آرای مختلف مفسران در این باره، می‌نویسد: «زیرا با وجود تفاسیر گوناگون، وضع روز دهم به گونه‌ای است که آیه شریفه را به سوی خود منصرف می‌سازد و از شنیدن کلمه «روز حج اکبر» آن روز خاص به ذهن تبادر می‌کند، چون تنها روزی که عموم زوار حج را در خود فرا گرفته باشد و اعلام برائت نیز به گوش همه برسد، همان روز دهم است، و وجود چنین روزی در میان روزهای حج، نمی‌گذارد کلمه «یَوْمَ الْحُجِّ الْأَكْبَرِ» سایر ایام را نیز شامل شود، چون در سایر ایام زوار اجتماع آن روز را ندارند.» (طباطبایی، محمدحسین، همان، ج ۹، ص ۱۴۹ به بعد).

۵) در بحث ادعای وجود برخی تناقضات احتمالی در برخی از آیات قرآن، باید توجه داشت که این مسأله اغلب به مبانی نظری مستشرقان در مورد قرآن و پیش‌فرض‌های علمی آنان بازمی‌گردد. اندیشمندان مسلمان در نقد این ادعا، هم به صورت موردی کار کرده‌اند و آیات به اصطلاح متناقض را بررسی نموده و پاسخ داده‌اند و هم اقدام به نقد و بررسی مبانی نظری اشکال‌کنندگان نموده‌اند (رضایی اصفهانی، محمدعلی، و حلیم‌اف، محمدالله، ج ۶، صص ۱۰۵-۱۳۵، ۱۳۸۸ش).

علاوه بر این، اکثر موارد تناقضات ادعایی، از باب اختلاف تفسیری است که خود هاوتینگ به برخی از آنها اشاره کرده است. در واقع، اگر اختلاف و یا تناقضی هم باشد در تفسیرهای مفسران است نه اینکه آیات قرآن تناقض داشته باشد.

۶) در مورد «احصار» و «صد» و احکام فقهی مربوط به هریک از آنها، میان مذاهب اسلامی تفاوت نگرش وجود دارد. در کنار برخی اختلاف نگرش میان مذاهب اهل سنت، گروهی از فقهای امامیه نیز میان دو اصطلاح «احصار» و «صد» قائل به تفکیک شده‌اند؛ آنان با استناد به برخی روایات که در آن‌ها به تفاوت میان محصور و مصدود تصریح

شده، احصار را در خصوص مانع درونی، مانند بیماری و صدّ را در خصوص موانع بیرونی، مانند ممانعت دشمن به کار می‌برند؛ (نجفی، محمد حسن، چ ۷، ج ۲۰، ص ۱۱۱ به بعد، ۱۴۰۴ق) و در احکام میان آن دو فرق نیز گذاشته‌اند. (موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۴۱۳ق).

۷) شاید بتوان گفت که مهم‌ترین نکته و موضوع اصلی و قابل توجه در مباحث هاوتینگ، نظریه‌تطور و تکامل دین است که مکرر، با ارجاع و استناد به اقوال دیگر مستشرقان همسو با وی، در تقابل با دیدگاه اسلامی تکرار و تیسین شده است. طبق این نظریه، در بحث پرستش، جوامع بشری دارای یک سیر طبیعی از چند خدایی و بت پرستی تا رسیدن به توحید و یکتا پرستی است؛ این سیر در عربستان زمان پیامبر ﷺ، از مرحله بت پرستی فاصله گرفته و به طور طبیعی به مرحله یکتا پرستی رسیده بود. بنابراین، ظهور یکتا پرستی در عربستان بنام اسلام، ربطی به وحی نداشته بلکه نتیجه سیر طبیعی تکامل پرستش در جوامع، در اینجا جامعه عرب، بوده است. (Hawting, Gerald, vol., pp. 555-7, 2006)

در مقام نقد این دیدگاه باید چند نکته را یادآور شویم:

نخست اینکه؛ این دیدگاه از قدیم مطرح بوده و در تقابل با جهان بینی قرآنی مبتنی بر خدا پرستی فطری انسان است.

دوم؛ این دیدگاه در میان خود غربی‌ها نیز مخالفانی دارد؛ شهید مطهری رحمته‌الله گوید: «بسیاری از فرنگی‌ها می‌نویسند که پرستش در بشر ابتدا از پرستش همین بت شروع شد تا رسید به خدای خانواده و سپس رسید به خدای قبیله، از خدای قبیله رسید به خدای مملکت... تا رسیدن به خدایان آسمانی و در این سیر تصاعدی در نهایت به خدای یگانه رسید. قرآن همیشه عکس مطلب را می‌گوید. قرآن می‌گوید اول پرستش خدای یگانه بوده، انحراف از پرستش خدای یگانه منجر به بت پرستی‌ها شده است. این، دو نوع تاریخ دین بر ضد یکدیگر است. در میان فرنگی‌ها هم عده‌ای؛ از جمله ماکس مولر آلمانی که نظریه‌اش معروف است و بعد افراد دیگر هم تابع این نظریه شدند. آنها هم فعلا این نظر قرآن را قبول کرده‌اند که اول توحید بوده و بعد بت پرستی پدیدار شده است.» (مطهری، مرتضی، ج ۲۶، ص ۵۹۸ به بعد، ۱۴۲۹ق).

سوم؛ اشکال اصلی در اینجا متوجه پیش فرض هاوتینگ مبنی بر عدم رسالت پیامبر ﷺ و نیز عدم و حیانت قرآن است که منتج به طرح نظریه‌های مختلف و گاهی متضاد از سوی وی شده است. بدلیل همین پیش فرض است که وی از سویی بر

ظهور اسلام در عربستان، البته در فرایند تکامل طبیعی دین در جوامع انسانی، اصرار دارد و لذا برای اثبات وجود بارقه‌هایی از یکتاپرستی در آن مکان تلاش می‌کند. وی در این راستا به مواردی؛ از جمله مورد «حنفاء» استناد می‌کند. از سوی دیگر، در پی تأیید و همراهی با دیدگاه استادش، ونزبرو، مبنی بر پیدایش اسلام در محیطی توحیدی خارج از عربستان بت‌پرست است. (پویازاده، اعظم؛ و پیروان، مریم، ج ۳، صص ۶۰-۳۳، ۱۳۹۳، Ibid)

۸) نکته دیگری که در باب دیدگاه مستشرقان راجع به مصادر یا منابع قرآن قابل ذکر است، تشتت آرای آنها در این زمینه است. اتهام بشری و غیر وحیانی بودن قرآن از همان صدر اسلام، از سوی معاندان این دین الهی، مطرح شد. تعبیر گوناگون مخالفان اسلام در مورد پیامبر ﷺ و قرآن کریم، خود نشان از نوعی تشویش، پراکنده‌گویی و سردرگمی، در مقابله با قرآن دارد؛ حالتی که خداوند از آن به «أمر مریج» تعبیر نموده است. (ق: ۵)؛ «بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِجٍ»، آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند!

مریج، به معنای آمیخته، مختلط و مضطرب است و دلیل توصیف آنها به این صفت، عدم ثبات رأی آنهاست؛ زیرا آنها گاهی پیامبر را مجنون، گاه شاعر و زمانی ساحر نامیدند. (طبرسی، فضل بن حسن، ج ۳، ص ۹، ص ۲۱۲، ۱۳۷۲ش) درست همان چیزی که در آرای مستشرقان شک‌گرای در مصدر قرآن مشاهده می‌شود؛ خود هاوتینگ نیز در مقاله «عربستان پیش از اسلام»، ضمن برشمردن آرای مختلف درباره ظهور اسلام، بنوعی به وجود این اختلاف و تشتت رأی اذعان می‌کند. (Hawting, Gerald vol. 4, pp. 253-261, 2004)

به نظر می‌رسد ریشه این تحیر و تشتت آرای مستشرقان، پیش‌فرض آنها مبنی بر غیر وحیانی بودن قرآن باشد. ماکسیم رودنسون (1915-2004) (Maxim Rodinson) خاورشناس روسی تبار فرانسوی، می‌نویسد:

«مسأله عدم اصالت اسلام و تکیه آن بر سایر ادیان، موضوعی مشترک میان تمامی خاورشناسان است.» (شاکر، و فیاض، ج ۱، ص ۱۲۲، ۱۳۸۹ش).

فضای بدبینی و دشمنی نسبت به اسلام، در طول چند قرن گذشته در غرب، و نیز وجود چنین پیش‌فرض‌هایی، به طور خودآگاه یا ناخودآگاه، بر فعالیت‌های علمی نیز تأثیر گذاشته و در حقیقت، تمامی تلاشها برای اثبات اینگونه پیش‌فرض‌هایی انجام پذیرفته است. (همان، صص ۱۳۸ - ۱۱۸) این پیش‌فرض غیرقابل تغییر مبنی بر

غیر وحیانی بودن قرآن و اقتباس آن از دیگر منابع است که اغلب مستشرقان؛ از جمله هاوتینگ را وادار به اتخاذ آرای مختلف و گاه متضاد دربارهٔ مصدر اسلام و قرآن، و در نتیجه مصدر آموزه‌های آن نموده است؛ بگونه‌ای که گاه یهودیت، گاه مسیحیت، باری ادیان غیرتوحیدی و حتی آیین مشرکان، و یا حتی تکامل طبیعی دین را مطرح کرده و برایش دلیل تدارک می‌بینند ولی باز به رغم عدم موفقیت، و حیانت آن را محتمل نمی‌دانند.

۹) در مورد روش تحقیق هاوتینگ نیز شایان ذکر است که وی متأثر از استادش، ونزبرو، در بررسی آیات قرآنی متمسک به روش تحلیل ادبی می‌شود و از این رهگذر استنتاج تاریخی می‌کند. در اینکه آیا با استناد به تحلیل ادبی صرف می‌توان نتایج ملموس تاریخی به دست آورد یا نه، اشکال وجود دارد؛ زیرا نتایج تحلیل ادبی این قابلیت را دارند که با توجه به پیش فرض‌های فرد، بگونه‌های مختلف و متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند. درست از همین جهت است که این روش و استنتاج‌های تاریخی برآمده از این روش، از سوی برخی از دیگر مستشرقان نیز مورد نقادی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ویلیام گراهام (*William Graham*)، در بررسی و نقد کتاب «مطالعات قرآنی» ونزبرو، بر این نکته تأکید می‌ورزد که استنتاجات تاریخی وی نمی‌تواند نتیجهٔ منطقی تحلیل ادبی او از متون اسلامی باشد. (نیل‌ساز، نصرت، صص ۶۵ - ۶۰، ۱۳۹۳ش؛ پویازاده، اعظم، و پیروان، مریم، همان، صص ۷-۵۶)^۱

نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد نگاهی به آرا و نظرات مستشرقان در باب «حج» داشته باشیم؛ از آنجا که تأکید و تمرکز ما بر «دائرةالمعارف قرآن لایدن» بود و تألیف غالب مدخل‌های مربوط به این موضوع را آقای «جرالد هاوتینگ» برعهده داشت؛ بگونه‌ای طبیعی بحث ما نیز متمرکز بر آرای وی، به نمایندگی از مستشرقان شد. در طرح آرای وی نیز از موارد جزئی شروع و در نهایت به رأی اصلی و نظریهٔ هاوتینگ دربارهٔ خاستگاه قرآن و اسلام رسیدیم که منشأ دیدگاه وی در حج نیز هست.

۱. نیل‌ساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاه‌های خاورشناسان دربارهٔ آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳ش، صص ۶۰-۶۵؛ پویازاده، اعظم، و پیروان، مریم، همان، صص ۷-۵۶

تحقیقات هاوتینگ، به‌رغم بهره‌گیری از شواهد متنوع تاریخی، قرآنی و تفسیری و نیز روش تحلیل ادبی متون دینی، به‌دلیل اتخاذ مبانی‌ای مانند عدم و حیانت قرآن، منشأ طبیعی داشتن دین و تطور و تکامل طبیعی دین توحیدی اسلام و...، منتج به ارائه دیدگاهی مخالف دیدگاه اسلامی شده است. تشکیک وی در برخی از مناسک حج و یا پندار تناقض در آیات حج نیز ناشی از همین مبنا و پیش‌فرض خاص وی است. علاوه بر این، تحقیقات وی، هم از جهت انتخاب روش، یعنی روش تحلیل ادبی برای حصول نتایج تاریخی، هم به‌لحاظ منبع‌شناسی؛ یعنی توجه به منبعی خاص مثل تاریخ یا تفسیر طبری و تعمیم آن به تمام مذاهب اسلامی، قابل نقد و بررسی است.

همان‌گونه که بیان شد هاوتینگ از شاگردان ونزبرو و برنارد لویس است که هر دو جزو منتقدان سرسخت قرآن و اسلام هستند؛ وی با ذهن نقادش و بهره‌گیری از روش‌های اساتیدش، به‌ویژه روش تحلیل ادبی ونزبرو، تعالیم اسلامی را مورد تشکیک قرار می‌دهد. از نکات قوت تحقیق وی، هدفمند و روش‌مند بودن آن و نیز تسلط نسبی وی بر منابع تاریخی، موضوعات و آیات قرآنی و نیز تفسیر قرآن و بهره‌گیری از آنها در تحقیقاتش می‌باشد.

منابع

۱. پویازاده، اعظم و پیروان، مریم، نقد و بررسی دیدگاه جرالدهاوتینگ در کتاب بت‌پرستی و ظهور اسلام، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، پیاپی ۲۳، صص ۶۰-۳۳
۲. حداد عادل، غلامعلی، اسلام در آینه حج، در: مقالات انتزاعی میقات، بی‌تا، بی‌جا، ۱۳۷۸ ش.
۳. الخلیلی، جعفر، مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی، مترجم: محمدرضا فرهنگ، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۸۴ ش.
۴. دیاری بیدگلی، محمدتقی و مفتاح، محمدهادی، شرق‌شناسی یا اسلام‌ستیزی؟ نگرشی به آرای خاورشناسان در اندیشه و آثار علامه شهید مرتضی مطهری، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۹۵ ش

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، و حلیم‌اف، محمدالله، مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن، دوفصلنامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، سال ۴، ۱۳۸۸ش، صص ۱۰۵ - ۱۳۵
۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح: حسین احمد، مصطفی، لبنان - بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق
۸. شاکر، محمد کاظم و محمد سعید فیاض، سیر تحوّل دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد مصادر قرآن، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱، سال چهل و سوم، ۱۳۸۹، صص ۱۱۹ - ۱۳۸
۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله، مکه در بستر تاریخ، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۶ش.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصححان: یزدی طباطبایی، فضل‌الله و هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: موسوی جزایری، طیب، قم، دار الکتب، چاپ سوم ۱۳۶۳ش
۱۳. کریمی واقف، رضا، حج در نهج البلاغه، میقات حج، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۳۷، صص ۶ - ۳۱
۱۴. لینگز، مارتین، مکه از پیش از نزول تورات تا کنون، ترجمه: سعید تهرانی نسب، تهران، انتشارات حکمت ۱۳۹۵ش/۱۴۳۷ق
۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۷ش/۱۴۲۹ق، ج ۲۶
۱۶. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۴۲۳ق
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ دهم ۱۳۷۱ش

۱۸. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، الإحصار و الصد، مقرر: احمد شاهرودی، قم، دار القرآن الکریم ۱۴۱۳ق

۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: عباس

قوچانی و علی آخوندی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم ۱۴۰۴ق

۲۰. نیل ساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاه‌های

خاورشناسان درباره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، تهران، شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳ش

۲۱. هورخرونی، ک. سنوک، صفحات من تاریخ مکة المکرمة (۲جلد)، تعریب:

محمد محمود السریانی، معراج نواب مرزا، ریاض، داره المک عبدالعزیز،

۱۴۱۹ق/۱۹۹۹م

22. Burton, John, The collection of the Qurān, Cambridge 1977

23. Crone, Patricia and Cook, M. A., Hagarism: the making of the Islamic world, Cambridge University Press 1977

24. id, Meccan Trade and the Rise of Islam, 2004

25. Hawting Gerald R., Idolatry and Idolaters, in Encyclopaedia of the Qurān, Edited by Jane Dammen McAuliffe (Brill, Leiden–Boston 2002), vol. 2, pp. 475 - 80

26. Id, The Idea of Idolatry and the Rise of Islam: From Polemic to History, Cambridge University Press (1999)

27. id, Idols and Images, in EQ (Brill, Leiden–Boston 2002), vol. 2, pp. 481 - 4

28. id, Ka, ba, in EQ (Brill, Leiden–Boston 2003), vol. 3, pp. 75 - 80

29. id, Pilgrimage, EQ (Brill, Leiden–Boston 2004), vol. 4, pp. 91 - 100

30. id, Pre - Islamic Arabia and the Qurān, in EQ (Brill, Leiden–Boston 2004), vol. 4, pp. 253 - 261

31. Id, Worship, in EQ (Brill, Leiden–Boston 2006), vol. 5, pp. 555 - 7

32. Peters F. E., The Hajj: The Muslim pilgrimage to Mecca and the holy places, 1994

33. Stewart, Devin J., Farewell pilgrimage, in EQ (Brill 2002), vol. 2, pp. 178 - 180